

بقرتیب در بخارست روم تشکیل شد شرکت نمودند همچنین در کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن در سال ۱۹۲۵ در مرکز کوسیتی و اخیراً نیز در کنفرانس مسکن و اسکان آوارگان کوه در وان کوه‌گاناد انضام گردید مشارکت داشته اند.

در این کنفرانسها و همچنین سایر جلسات و سمینارهای سازمان ملل جزوات و نشریات مناسب تهیه و نحو اختصارولی جالب توجه که شایسته آثار امری است ارائه شده و در این جزوات نظریات امریهائی در مسائل مطروحه بیان گردیده است.

در کلیه این جزوات و نشریات دفتر جامعه بین‌المللی بهائی در نیویورک نظریات بیت‌العدل اعظم را که بشری زبیر محفل روحانی ملی امریکا اعلام فرموده اند تبیین نموده و ملحوظ داشته است.

" راهنماهای تشکیلات و موسسات بهائی به عالم انسانی متضمن هر چگونه جواب خاص به مشکلات امروزی جهان نیست بلکه بیشتر توجه آنان به طریق جدیدی از حیات انسانی است که بدون آن مسائل و مشکلات کنونی غیر قابل حل است توجه و سلوک در این طریق است که امکان حدوث این مشکلات را از بین میبرد و در صورت وقوع آنها را باسانی حل و فصل مینماید."

جزواتی که بوسیله جامعه بین‌المللی بهائی برای کنفرانس استکهلم تهیه و

منتشر شده عبارت اند از " محیط زیست و ارزشهای انسانی " و " یک نظریه بهائی " و برای کنفرانس جهانی جمعیت " دنیای واحد ملت واحد " و " یک نظریه بهائی " و " قانون آلهی " و " منبع حقوق بشر " که بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر تهیه و نشر گردید و " تساوی حقوق رجال و نساء " و " واقعیت جدید " برای کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن و جزوه " دنیایک جامعه متحد " برای کنفرانس " مسکن و اسکان آوارگان " کوشش بمنظور جوابگویی مسائل جهانی که سازمان ملل متحد با آن مواجه است متضمن ارائه پیشنهاد و راه‌حلهای بهائی و نیز ارائه چگونگی استفاده از اصول امرالله در حل مشکلات جهانی میباشد.

تهیه این جزوات نه تنها بمنظور انجام و ارائه فعالیت‌هایی است که بوسیله جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد صورت میگیرد بلکه برای استفاده احبباده طریق ارائه آثار امری و تبلیغ اصول دینت بهائی در سراسر عالم نیز هست. این جزوات بیشتر معطوف به شناساندن جامعه بهائی بعنوان تجسم حیات بهائی و ارائه تصویری روشن از تعالیم امری است و طریق جدیدی را در ترسیم راه‌حلهای بهائی در برابر مشکلات افراد در مواجهه با مسائل جدید و جهانی نشان میدهد. در همین حال که اینگونه افراد متجسس و متفکر لزوماً رجستجوی مذهب نیستند چون راه‌حلهای بشری گری از کار فرور بسته این عالم نگشوده و بنحویز افزون خسته و درمانده شده و جستجوی علاج دیگری مینمایند.

در واقع اکنون کلمات " روحانی " و " اخلاقی " با تکرار و انعکاس بیشتری در سالن

های سازمان ملل بگوش میخورد و تعداد زیادی از نمایندگان در خصوص نیاز نهایی تغییر روشها و ارزشها برای نسل به توسعه و تعالی اجتماعی و اقتصادی جامعه بشری صحبت میدارند .
 بهمین نحو اعلامیه هایی که از طرف جامعه بین المللی بهائی به سازمان ملل ارائه و تسلیم گردیده و اغلب در نامه هایی بانام و معاری رسمی سازمان ملل منتشر شده است میتواند مورد استفاده احبا قرار گیرد و بدان وسیله تعالیم و نظریات امریهائی را به نفوس متفکر و صاحب نظر که در حال حاضر از فساد و تهاهی و زجر و مصیبات بشرکسوسی رنج میبرند و طالب راهائی بشر از سختی ها و مشغلاتند ارائه دهند .

اغلب نفوس متوجه این مسأله گردیده اند که بزرگترین فقر بشرکسوسی بنا به فرموده بیت العدل اعظم الهی " فقر روحانی " است مادام که جامعه انسانی " مذهب پاپن فقر اساسی نشده و چاره ای برای آن نیندیشد مسائل و مشکلات قطعی و قطرمادی و کرسنگسی و سوء تخنیه قابل حل نخواهد بود . یکی از امور و فعالیت های گهرا بطنه مستقیم بین اهدا ف نقشه پنجساله و فعالیت های جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل را میتوان تصور نماید موضوع " مقام زن " در عالم است بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۲۰ ماه مه ۱۹۷۰ به محافل مقدسه ملیه چنین مرقوم فرمودند :

" هر چند جامعه جهانی بهائی در سراسر عالم همواره باید اهمیت نقش حیاتی جامعه نسوان را در جامعه بهائی و نیز در اجتماع بطور کلی تاکید و تشویق نمایند .

ولی در نقشه پنجساله ترتیب و تشکیل فعالیت ها و برنامه های خاص بهائی برای نسوان اختصاصاً بر مهده هشتاد محفل ملی گذارده شده است . طی سنه جاری که " بنام " سال بین المللی زن " برای يك سلسله فعالیت های سازمان ملل در سراسر عالم در این زمینه نامگذاری شده بهائیان بخصوص در معالک تحت نطاق این محافل باید برنامه هایی متضمن توسعه فعالیت ها و ارتقا مقام و اشتراك و تساوی کامل نسوان در کلیه شئون حیات جامعه بهائی تهیه و اجرا نمایند تا اینکه باین طریق جامعه باران بار دیگر امتیاز و رجحان امر الهی را در این زمینه از کوشش های انسانی نیز باثبات رسانند . "

" سال بین المللی زن " اکنون گذشته است ولیکن مادر دهه مخصوص نسوان که از طرف سازمان ملل متحد بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۶ تعیین شده وارد شده ایم .
 علیهذا برای جامعه های بهائی در سراسر جهان حصول اهداف معین در

نقشه منبعه پنجاه ساله در این خصوص بسیار سهل خواهد بود که ضمن انجام آن شاهد علاقه و همکاری در فعالیت هایی که سازمان ملل طی مدت ۲۵ سال برای پیشرفت و بهبود مقام و موقعیت زن در روی کره ارض انجام میدهد نیز باشند .

ضمن توسعه همکاری های جامعه بین المللی بهائی با سازمان ملل متحد این نکته هر روز بیش از پیش مسلم میگردد که مردم جهان از حرف تو خالی و افکار ایدئالی هر چند که جالب و جاذب باشد خسته شده و تشنه عمل و خواستار نتیجه اند .

چه بسیار که کلمه " اجرا " بوسیله نمایندگان سازمان مورد استفاده قرار گرفته است چه بسیار کتب و رسائل که مشحون از قوانین است ولی به مرحله اجرا نرسیده است . نقشه های مختلف طرح ریزی شده ولی به مرحله عمل و اقدام نرسیده است .

علیهذا آنچه که مآلا در قبال شناسائی امر بهائی و توسعه حیثیت و نفوذ آن در سازمان ملل و سایر مجامع بین المللی و در بین رجال و سیاستمداران و دانشمندان و استادان مهم و مورد توجه است اجرائات و اقدامات و عمل جامعه بهائی است صفات ممتاز و متعالیه و اعمال طیبه طاهره منعکس در حیات بهائی و توسعه و تکامل و بلوغ تاسیسات بهائی است که بنحوی موفقیت آمیز همه روزه گروههای عظیم تری از مردم رارهبری و اداره مینمایند و مآلا آنان را برای ایامی که نژاد روحانی جدیدی از زنان و مردان در جامعه ای جدید متولد میشوند و مدتی بدیع که شبه و مثل آن تاکنون بچشم بشر نرسیده تشکیل میدهد آماده مینمایند .

اگر کوشش سازمان ملل که هشتاد و پنج درصد آن از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی آن سازمان میسر است بعنوان مقدمات تحقق صلح اصفرتلقی گردد کوشش و فعالیت جامعه بین المللی بهائی نیز بهمان اندازه در این طریق موثر است اگر چه مادر کار ساختن صلح اعظم هستیم ولیکن بنا بر فرموده حضرت ولی محبوب امرالله که چند سال قبل بوضوح تمام بهمان فرمودند خدمت احبابه تحقق صلح اصفرنیز بهمان اندازه اساسی و لازم است

" حضرت ولی امرالله نسبت به اهمیت درک عمیق شما و کلیه یاران الهی از این مسئله که خدمت و مجاهدت وسیع مستقیم و متحرکز احبانه تنها وظیفه اصلیه حتمیه آنهاست بلکه بهترین و موثرترین طریق در خدمت به حقوق و منافع جامعه بشری و کمک به تحقق صلح اصفراست همیشه باید این مطلب را مد نظر داشته باشیم که نظم جهانی حضرت بهاء الله تنها راه علاج ورهائی جامعه انسانی است و کلیه اقدامات و مجاهدات دیگر که بوسیله سازمان ملل متحد و یاد و لتهای موجود انجام میگردد هر قدر هم مترقیانه و جالب باشند زودگذر و کوتاه مدت است بهائیان باید قوای خود را حصر در تحسین اخلاق و تکمیل فضائل و صفات مدد و حه نمایند

ونظم بدیع آلهی را که هنوز در مرحله جنینی است به عرصه
کمال و بلوغ برسانند و تبلیغ و انتشار را مراعات آلهی برطبق نوای
و اهداف نقشه آلهی و تاسیس و توسعه بنای قوی الارکان جامعه
جهانی بهائی را از اعظم وظائف دائمه مستمره خود شمرند . ما
به تعداد قلیلیم و لکن در همین حال چنین وظیفه خطیر
و ثمین و چنین مسئولیت منحصر و عظیمی بر عهدہ داریم و لذا باید
کلیه قوای خود را حصر در تنفیذ و اجرای آن نمائیم ."

تصحیح:

● بیت العدل اعظم الهی

طی دستخط مورخ ۱۹ شهرالجمال ۱۳۴ بدیع خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران تذکر داده اند در مجله آهنگ بدیع شماره ۳۴۱ سال ۳۱ صفحه ۲۰ ترجمه مکتوبی از دارالانشاء بیت العدل اعظم منتشر گشته که حاوی بعضی از بیانات مبارک که اصل آن موجود است نیز هست که مشخص نگردیده این مطلب ترجمه مکتوب دارالانشاء بیت العدل اعظم است و دستور فرموده اند تا این مورد اصلاح شود.

لهذا بدینوسیله از خوانندگان عزیز تقاضا داریم که در شماره های ۳۴۱ آهنگ بدیع که دریافت نموده اند این مطلب را تصحیح نموده و مشخص فرمایند.

● در شماره ۳۳۲ آهنگ بدیع مقاله ای تحت عنوان " تاریخ پیدایش و پیشرفت امرالله در شبه قاره هند " ترجمه و منتشر شده بود که در صفحه ۳۵ نام " میرزا محرم " اشتباهاً " میرزا مهران " نوشته شده بود که ضمن پوزش بدینوسیله تصحیح میگردد.

ضمناً از جنابان دکتر محمد افغان و حسام نقبائی که این مطلب را تذکر فرموده اند سپاسگزاریم.

منتهیات امرالکتاب

مقاله دوم

وحید راغفتی

در مقاله گذشته که مقدمه‌ای بر الواح متمم کتاب مستطاب اقدس بود شرحی کلی در باره این الواح داده شد و بررسی دقیقتر هر یک به مقالات بعدی موکول گردید . آنچه در زیر آمده است شرحی در باره لوح اشراقات است .

اشراقات - ۱

اشراقات که از طولانی‌ترین^(۲) الواح متمم محسوب است از نظر احتوای بر مطالب اعتقادی و شمولش بر تعالیم اجتماعی و اخلاقی و نیز بعضی از احکام شرع بدیع از جمله مهمترین الواح است که از قلم جمال‌القدم نازل گردیده است . با آنکه اشراقات - بطور کلی - از منعمات است ، اما آنچه اهمیتی کاملاً خاص به آن می‌دهد آن است که اشراق هشتم این لوح بنص جمال‌القدم از کتاب مستطاب اقدس محسوب شده و آن ارجاع امور ملت به رجال بیت العدل اعظم الهی است . جمال‌القدم می‌فرمایند :

۳ اشراق هشتم ، این فقره از قلم اعلی در این حین مسطور

و از کتاب اقدس محسوب امور ملت معلق است بر جمال هیبت
عدل الهی ایشانند امانا^۱ الله بین عبادہ و مطالع الامر
فی بلادہ . . . (ص ۷۹)

جمال قدم در نفس لوح اشراقات را^۲ باب رحمت^۳ (ص ۶۹) الهی و تعالیم مندرجه در
آن را^۴ سبب حفظ و حراست و امن و امان^۵ (ص ۷۶) دانسته مخاطب را به "حفظ" و "قراوت"
(ص ۶۹) لوح امر میفرمایند - قوله تعالی :

طهی لك یا ایها الناظر بما نزل لك هذا اللوح الذی منسـه
تطیر الارواح احفظه ثم اقره لعمری انما ب رحمة ربك طهی
لن یقره فی العشی و الاشراق^۶ (ص ۶۹)

لوح اشراقات خطاب به جلیل مسگر خوئی که در نفس لوح با فنا و نبی مانند^۷ یا ایها السائل
الجلیل^۸ (ص ۵۵) و "یا ایها المتوجه الی انوار الوجه"^۹ (ص ۶۷) و "یا ایها الجلیل"^{۱۰} (ص ۶۷) از
او یاد شده در هکذا بعد از نزول کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده است . این شخص بعد از
در زمان حضرت عبدالیهما^{۱۱} به پیروی از جمال پروچردی (ملقب به پیر گفتار) به مرضی نفسی
گرفتار شد و لوح معروف به "لوح هزاربیتی"^{۱۲} از قلم حضرت عبدالیهما^{۱۳} خطاب به او نازل
گردید و جناب میرزا محمود زرقانی ماموریت یافت لوح را بر او قراوت نماید شاید سبب توبه
و رجوع او شود اما جلیل متنه نشد و در نفس مرد .^(۱۴)

لوح اشراقات که با ستایش ذات الهی در ضمن دو خطبه فصیح به لسان عربی آغاز میگردد
بذکر نصوص در باره عظمت امر الله مخاطب الملائه البیان ادامه میابد . در این نصوص جمال قدم
از نفس خویش به "هو الذی ذکره محمد رسول الله و من قبله الروح و من قبله الکلم و هذا
نقطة البیان ینادی امام العرش و یقول تالله قد خلقتم لذكر هذا النبا^{۱۵} الاظم"^{۱۶} (ص ۵۲) یا در
میفرمایند و به عظمت یوم با صبارت^{۱۷} "هذا یوم جعله الله نعمة للابرار و نقصا للاشرار"^{۱۸} (ص ۵۳)
اشاره مینمایند .

جمال قدم در این لوح اهل بیان را به تفکر در اعمال حزب قبل و ظل احتجاب ایمان امر
فرموده مقرر میدارند که اوهام و ظنون خویش را رها نموده "بطرف انصاف" در ظهور جد پسند
و آنچه از آن ظاهر شده نظر کنند . بدینالغایین خطابات قلم اطنی به مصائب خویش در
سجن طهران و مازندران که لاجل^{۱۹} اظهار امر^{۲۰} و "اعلاء کلمه" الهی بوده است اشار
میفرمایند .

صبارت^{۲۱} . . . العصمة الکبری و الايقال المعظمی التي سلطتها من المظلوم^{۲۲}
(ص ۵۵)

و صبارت : قلم اطنی نظر به استعدادی آنجناب مراتب و مقامات مصمت
کبری را ذکر نمود^{۲۳} (ص ۷۴)

حاکمی است که جلیل از جمال قدم در باره^{۲۴} مصمت کبری^{۲۵} که بطور اجمال آیات راجع به
آن قبلا در کتاب اقدس^(۱) نازل شده بود فاست سؤال مینماید . قلم اطنی باز ذکر :

گویند نظر لثالی البرهان المکونة فی اصداف بحر العلم
 والا یقان . . . لترتفع ضوضاء العلماء من کل الجہات (ص ۵۶)
 از تشریح مطلب در برهه طویله من الزمان (ص ۵۶) خود داری فرموده تا سرانجام شرح
 جامع آن را بعد از ذکر طریقی تأخیر جواب در اشراقات مرقوم میدارند .
 جمالقدم پس از شرح مراتب و مقامات عصمت کبری (از ص ۴۵ الی ص ۶۰) مخاطب را به
 صارت :

۳ شکر الله بما کشف لک ما کان مکنونا مستورا فی العلم
 (ص ۶۰)

به زیارت مناجات

۴ الہی الہی لک الحمد بما دللتنی الیک و هدیتنی الی
 افک . . . (ص ۶۰)

دعوت میفرمایند .

این مناجات که هفت صفحه از لوح مبارک را بخود اختصاص داده است شامل لطیف ترین
 عبارات ممکنه در ستایش ذات الہی و حمد و ثنای او در هدایت عباد خویش به صراط مستقیم
 و معرفت نها^۴ عظیم است . جمالقدم به ابداع عبارات و الطف تعابیر ہی و فانی ناقصین و
 مہد شکنی برادر پر کین را با عبارات^۵ من ربتہ با یاری عنایتک (ص ۶۲) تشریح میفرماید
 و به زکریا^۶ ترانی یا الہی کالحوث المتبلبل علی التراب^۷
 (ص ۶۲)

به عدت معاصب^۸ و آرد اشارہ مینمایند . این مناجات مبارک همچنین حاوی اشاراتی لطیف
 به تحقق بشارات کتب قبل در حق این ظهور عظیم است . (ص ۶۵)
 مناجات مندرج در لوح اشراقات را میتوان از نظر احتوای بر عبارات رشیقہ لطیفہ و تعابیر
 بدیعہ روحانیہ اوج تجلی محویت و فنای مطلق عباد در مقابل ارادہ الہی دانست ، مناجاتی
 که در ضمن آن بنده الہی حق را با عبارات :

۹ رب یشہد لسان لسانی و قلب قلبی و روح روحی
 و ظاہری و باطنی بوجدانیتک و فردانیتک و بقدرتک
 و اقتدارک و عظمتک و سلطانتک و بجزتک و رفعتک و اختیارتک
 ہانک انت اللہ لا الہ الا انت لم تزل کنت کتزا مخفیا
 الابصار والادراک ولا تزال تکون بمثل ما کنت فی ال
 الآزال . . . (ص ۶۴)

تقدیم میکند و بلسان قال و حال اعتراف مینماید کہ :

۱۰ ما یظہر من العبد محدود و محدود نفسه و لا یلیق لحضرتک
 و لا ینبغی لبساط عزک و عظمتک و عزتک لولا ثناک لا ینفعلنی
 لسانی و لولا خدمتک لا ینفعلنی وجودی و لا احب الی

الآلهة انوار افك الاطی و لا یرید المسع الا لعنة

ندائه الاحلی . . . (ص ۶۳)

در اشراقات جمالقدم جمیع علام و آیات قیامت و نیز ظهور جنت و نار را که حقیقت ایمان و امراض است محقق در این ظهور اعظم دانسته بانقل عین اصطلاحات قرآنی در باره ظهور ساعت و قیامت میفرمایند: قد ظهرت العلامات کلها (ص ۶۸) اشراقات حاوی نصوص جدید در زمینه اخلاق و حیات بهائی است. اهمیت تقوی الله که آن را "مطلع الاعمال و الاخلاق" (ص ۷۰) بیان نموده و به "قائد جنود العدل فی مدینه البها" (ص ۷۰) تشبیه میفرمایند در مواضع مختلفه لوح مبارک تاکید گردیده است. تعالیم دیگر اخلاقی مانند امانت و دیانت و منع از سبب حزن شدن تاچه رسیده فساد و جدال و نیز منع از آیش لسان به سبب و لعن و نصرت امرالله به جنود اعمال و اخلاق (صفحات ۷۰، ۷۷، ۸۰) در لوح اشراقات تکرر ذکر یافته است. بیان جانسوز جمالقدم که میفرمایند:

گیس جزنی سجنی و ماورد طسی من اعدائی بسبل
من الذین ینسبون انفسهم الی نفسی و یرتکمون مسا
تصعد به زفرائی و تنزل صبرائی" (ص ۷۱)

نص مبارکی است که اهمیت تخلق به اخلاق بهائی را کاملاً مبرهن میسازد.

جمالقدم پس از شرح مجدد مسئله عصمت کبری (از ص ۷۳ الی ص ۷۵) در ضمن نه اشراق اساسی ترین تعالیم اجتماعی و اخلاقی امر مبارک را بشرح زیوتشریح میفرمایند:

- اشراق اول - در حرمت و اهمیت دین (ص ۷۶)
- اشراق دوم - در صلح اکبر (ص ۷۶)
- اشراق سوم - در اجرای حدود و مشورت و شفقت و مجازات و مکافات (ص ۷۷)
- اشراق چهارم - در تقوی و اعمال و اخلاق پسندیده (ص ۷۷)
- اشراق پنجم - در معرفت دول بر احوال مامورین و اعطاء مناصب به اندازه و مقدار (ص ۷۷)
- اشراق ششم - در اتحاد و اتفاق و وحدت خطو لسان (ص ۷۸)
- اشراق هفتم - در وصیت کل به تعلیم و تربیت اطفال با نقل آیات کتاب اقدس در این باره (ص ۷۸)
- اشراق هشتم - در مقام و اهمیت و وظائف بیت العدل اعظم الهی (ص ۷۹)
- اشراق نهم - در اینکه دین محفی اتحاد و اتفاق است و سبب اعظم برای "نمو عالم و تربیت ام و اطمینان مبارک و راحت من فی البلاد" (ص ۸۰)



در اشراقات جمالقدم بعد از اشاره به بعضی از مسائل تاریخی منظر محمود امر اللهدرایام اولیه عراق و اعمال ناقصین ، به قبول بعضی از احکام حضرت باب و نزول مجد در آنهاست در کتاب اقدس و نسخ بعضی دیگر از احکام همان و نیز تشریح برخی از احکام جدید اشاره میفرمایند (ص ۸۳) همچنین در لوح اشراقات با نقل قسمتی از لوح زین العقرین در اشاره حلیت ربا ، ربارا حلال و طیب و طاهر (ص ۸۴) اعلان فرموده ناس را با بیان "ولکن باپی" این امر به اعتدال و انصاف واقع شود (ص ۸۴) انذار میفرمایند .

لوح اشراقات با وصیت محدود گل به عدل و انصاف و محبت و رضایمان میپذیرد ، وصایای کلی که کل با انصاف به آن به مطالعه و تحقیق در امر مبارک دعوت شده اند ، میفرمایند :

آنچه این مظلوم از گل طلب مینماید عدل و انصاف است به
اصفا اکتفا نمایند در آنچه از این مظلوم ظاهر شده
تفکر کنند (ص ۸۱)

لوح اشراقات را با توجه به مطالبی که به اشاره در فوق مذکور گردید باید بزرگتر طلب تربیت از الواح نازله از قلم جمالقدم دانست چه از طرفی بعضی از اصول اساسیه اعتقادی را شامل است و از طرف دیگر بعضی از احکام و مسائل نظم اداری و حوادث و وقایع تاریخیها مبارک را . در این لوح همچنین بعضی از عبارات و کلمات و اصطلاحات فلسفی و عرفانی بکار رفته است که شایسته مطالعه دقیق تر است . زیرا امهات این مسائل از لوح مبارک نقل و در باره آنها مطالبی مرقوم میگردد . (۶)

در سطور اولیه اشراقات که با خطبهای به همین در ستایش ذات الهی آغاز میگردد کلام به اینجاسیرسد که میفرمایند :

قلما اراد الخلق الهدی بع فصل النقطة الظاهرة المشرفة من افق
الارادة و انهادارت فی کل بیت علی کل هیئة الی
ان بلغت منتهی المقام (ص ۵۱)

نقطه مبارک از حقیقت روح القدس یا عقل کل یا صادر اول یا نفس مظهر امر الله (۷) است که منشأ صدر مخلوقات واقع میگردد . (۸) اعتقاد به عقل کل یا نقطه اولیه بعنوان مصدر عالم وجود اعتقادی است قدیمی که در فلسفه اسلامی بخصوص در الهیات اسمعیلی پذیرفته شده و به اسمی مختلفی که کل حاکی از حقیقت واحد است تسمیه و تعبیر گشته است . اصل فکر آن است که ذات الهی ، عقل کل را که در اصطلاح دینی همان حقیقت روح القدس باشد از خویش ظاهر ساخت و بعد از این عقل کل یا عقل اول یا مشیت اولیه یا وحی سایر موجودات بوجود آمدند . حقیقت روح القدس در اصطلاح بهائی عبارت از حقیقت واحد فای است که در هر یک از ادوار در فردی از افراد انسانی ظاهر میشود و احکام و تعالیم و خلق جدید را باعث میگردد . بر اساس اعتقاد به تجلی مستمر این روح قدسی جمالقدم در این دور مظهر الهی و منشأ و مهد احکام و تعالیم و معارف جدید واقع گردید مآند .

اصطلاح نقطه که باید آن را مرادف با "وحی" و "مشیت اولیه" دانست در آثار مبارکه جمالقدم

بكرات مذکور کرده است، مثلا در دعا^۱ بدو معنی الانام میفرمایند :
 صل اللهم يا الهی طی النقطة التي منها فصلت طوموسك
 المكنونه و اسرارك المخزونه وبه اخذت عهد مطلق
 ذاتك و مظهر غیب احدیتك^{۱۹} .

و نیز میفرمایند :

۳ نأصلنا النقطة و اظهرنا منها طم ما كان و ما يكون و انطقنا
 الاشياء بما شهد مالك الاسماء انه ليهو المهيمن طوموس
 كل شاهد و مشهود .^(۱۰)

و نیز میفرمایند :

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت اضع اقدس حضرت مقصود یرا
 لایق و سزااست که از قلم اعلی کوشش بقا جاری فرمود و از قطره
 آن مقلین را حیات ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اول و
 رتبه اولی به هیئت نقطه ظاهر و از اولوم اولین و آخرین
 را از عالم غیب به عرصه شهود آورد و چون خدمتش مقبول
 افتاد بحرف با^{۱۱} «موانس گشت و باو علم انه لاله الا هـ و
 مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب .^(۱۲)

در آثار متکلمین و فلاسفه اسلامی نیز اطلاق «نقطه» به «وحی» و «مشیت اولیه» موجود است .
 از جمله ابوعلی سینا در رساله معراج نامه میگوید :

«روح القدس چون نقطه است و نبوت چون خط و رسالت چون سطح و دعوت چون جوهر
 و ملت چون جسم و رونق جسم بروح باشد همچنین قنولت به نبوت باشد جسم عام و نقطه
 خاص و جسم محسوس و معین مدرك و نقطه نامعین نامدرك و نامحسوس چنانکه گفته
 لا تدركه الابصار پس ابتدای همه چیزها نقطه است و ابتدای کارها روح القدس است سلطنت
 نقطه بر موجودات معلوم و سلطنت نفس قدسی بر معقولات ظاهر چنانکه در قرآن خبر داد مؤ هو
 القاهر فوق عباده .^(۱۳)

«و بهایرز ما دل علی السرا لاکنم و الرمز المنعم الظاهر الحاکی
 من الاسم الاعظم فی الصحيفة النوراء و الورقة المقدسة
 المباركة البیضا» .^(ص ۵۱)

در آثار بهائی از مظهر کلی الهی به القاب^۳ السرا لاکنم^۴ و «الرمز المنعم» و نیز^۳ الكنز المخزون^۵
 و «السر المکنون» و «الرمز المخزون» و تعابیر دیگر شبیه آنچه مذکور شد بکرات یاد شده
 است .^(۱۴)

مقصود از^۳ اسم اعظم^۵ در این ظهور بهاء^{۱۵} الله^{۱۵} است که هارت از تجلی مشیت اولیه باشد
 حقیقت مشیت اولیه در لوح اشارات به «الورقة المقدسة المباركة البیضا» تعبیر شده است

مقصود از "بیضا" مطابق تصریح حضرت عبدالبهاء^(۱۶) مقام مشیت است .
 در آثار عرفای اسلامی نیز از عقل اول و مشیت اولیه به "بیضا" تعبیر شده که عبارت از اولین
 صادر از ذات غیب باشد .^(۱۷) در این آثار به جهان فرشتگان و مکان ملکوتیان نیز "بیضا"
 اطلاق شده است .^(۱۸)

"قلما اتصلت بالحرف الثانی البارز فی اول العثانی"

(ص ۱۰۵)
 مقصود از عبارت فوق آنست که نقطه اولیه در این دور تجلی در جمال قدم یافت و اوست که
 مظهر وحی الهی در این دور قرار گرفته است . مراد از "الحرف الثانی" حرف "باء" است .^(۱۹) است
 که دومین حرف از حروف تهجی بوده و اشاره به "بهاء" الله است .
 حرف "باء" در اول "مثنی" آمده است و این اشاره به "باء" در "بسم الله الرحمن الرحیم"
 است که در اول سوره فاتحه قرآن که آن را "مثنی"^(۲۰) نیز میگویند وارد شده است .
 نویسندگان اعلام قرآن ، محمد خزائی ، مینویسد :

"فاتحه الكتاب... دارای هفت آیه که نامهای متعدد در آن جمله "الحمد" و "سبع المثنی"
 نامیده شده و این سوره در مصحف حضرت علی و حضرت صادق و ابی بن کعب و عبد الله
 بن مسعود موجود نبوده شاید هم بدلیل آیه ۸۷ از سوره حجر "ولقد آتیناک سبعاً من
 العثانی و القرآن العظیم" از سوره قرآنی مجزی باشد . راجع به اشتقاق و معنی مثنی
 اقوال متعدد منقول است . اصح اقوال آن است که جمع ثنا باشد . . .

سوره حمد را بمناسبت تعداد آیات آن سبع العثانی نامیده اند . نگارنده معتقد است
 مثنی نام هفت سوره قرآنی است که با تسبیح آغاز میشود و آن سوره ها عبارتند از : اسراء و
 حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن و اعلی .^(۲۱)

آنچه نقل شد بر اساس اعتقادات اسلامی است اما در این ظهور حضرت عبدالبهاء در باره
 "سبع العثانی" تعبیری بدیع مرقوم داشته اند که در لوح خطاب به جناب آقا محمد تهریزی
 بشرح زیر مندرج است :

"هو الله - ای ثابت بر پیمان . . . از آیه مبارکه قرآن آتیناک
 سبعاً من العثانی سؤال نموده بودی سبعا من العثانی
 را علمای رسوم حوامیم سبع^(۲) کو یا سوره فاتحه تفسیر
 کرده اند و مثنی بجهت آنکه گویند سوره فاتحه دوم مرتبه
 نازل شده یک دفعه در مکه و دفعه دیگر در مدینه هفت
 آیه است لهذا مثنی است و همچنین گفته اند که چون سوره
 فاتحه در صلوات قرائت تکرری باید لهذا بالسبع العثانی
 تعبیر شده یعنی دوباره و لکن حقیقت معنی مقصد
 احدیت است و فیها رحمانیت و آن بشارت به ظهور
 است که زوال الحرف السبع تکرر پیدا کرده است حروف سبع

اول طی محمد و سبع مکررثانی حسین طی این است معنی
 سبع مثنی یعنی هفتی که دوهاره تکرر یافته یا آنکه مظهرگسی
 در کورفرقان جمال محمدی با سیزده بزرگوار چهارده میشود
 چهارده مکرر هفت است فرصت نیست این معنی مختص
 مفید است. (۲۳)

قد نزلت الخطبه مرتین كما نزل العثانی کر تین. (ص ۵۲)

خطبه صبارت است از کلام منشور و مسجع که در اول کتاب و با اول خطابه خطیب قرار میگردد
 و معمولاً در ستایش ذات الهی و نعت اولیای دین است. در لوح اشراقات دو خطبه پشت
 سر هم آمده است. خطبه اول با عبارت الحمد لله الذی تفرد بالعظمة والقدرة والجمال
 (ص ۵۱) آغاز میشود و خطبه دوم با عبارت: "والحمد لله الذی اظهر النقطة و فصل منها
 علم ما كان وما يكون" (ص ۵۲)

در فاصله بین دو خطبه میفرمایند: قد نزلت الخطبة مرتین كما نزل العثانی کر تین (ص ۵۲)
 یعنی همچنان که مثنی یعنی سوره حمد دوهار نازل گردیده است خطبه لوح اشراقات هم
 دوهار نازل شده است و بلافاصله خطبه دوم را آغاز میفرمایند.

اولك عباد اظهروا النفاق فی الافاق و نقضوا الميثاق فی

یوم فیه استوی هیکل القدم علی العرش الاعظم و ناری المناد

من الشطر الایمن فی الوادی المقدس (ص ۵۲)

خطبه دوم با ستایش خداوند که سبب ظهور نقطه گردیده و از او علم ماکان و مایکون راه وجود
 آورده است آغاز میگردد. در این خطبه وجود مظهر امر الله به "بحر" و "نار" تشبیه گشته
 است. بحر برای مخلصین و نار برای ملحدین. مخلصین آنانند که توفیق به ایمان یافتند
 و ملحدین کسانی هستند که به مظهر امر الهی مومن نگشتند و عهد خداوند را که مبنی
 بر ایمان به مظهر جدید بود آشکستند و سبب بروز نفاق گشتند. این امر در یومی واقع
 شد که مظهر امر الهی، جمال قدم، تجلی فرمود.

در جمله منقول از اشراقات، صبارات ناری المناد و "الشطر الایمن فی الوادی المقدس"
 ماخوذ از آیات قرآنیه ای^{۱۵} است که دلالت بر بشارت ظهور موعود از اراضی مقدسه مینمایند
 در سوره ق آیه ۱۴ میفرماید: "واستمع یوم یناد المناد من مکان قریب" در تشریح آیه فوق
 ملا فتح الله کاشانی مینویسد:

"(واستمع) ظاهر خطاب به حضرت رسالت است و مراد امت اند یعنی گوش فرادارو بشنوی
 آن چیزی که خبر میدهم ترا از احوال قیامت در این کلام تهویل و تعظیم صغریه است و آن
 این است که (یوم ینادی المناد) روزی که ندا کنند اکتند یعنی اسرافیل (من مکان -
 قریب) از جایی که نزدیک است بر آسمان مراد صخره بیت المقدس است که از همه زمین به
 دوازده میل و پروایتی هجده میل با آسمان نزدیکتر است و گویند که قرب نسبت بجمع ارض -

است زیرا که این موضع وسط ارض است پس آواز اسرافیل بر بالای آن بهمه اقطار زمی —
خواهد رسید و از هیچ موضعی دور نخواهد بود .

قاضی بیضاوی از عبارات : " من مکان قریب " به " بحيث یصل نداوه الی الکل " (۲۷) تعبیر
میکند که اشاره به وسعت انتشار ندای الهی در یوم قیامت و اطلاع یافتن کل از آن است .
عبارت " الشطر الایمن " که در لوح مبارک وارد شده در قرآن وجود ندارد ولی عبارتی شبیه
بآن ، " الواد الایمن " ، عبارت قرآنی نازل در آیه . سورة القصص است ، میفرماید :
" فلما اتاها نودی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان یاموسی انسی
انا الله رب العالمین " .

عبارت " الوادی المقدس " مذکور در اشراقات هم عبارت قرآنی است که در بار در قرآن مذکور
گشته است . یکبار در آیه ۱۲ سوره طه که میفرماید : " انی انا ربک فاخلع نعلیک انک بالواد
المقدس طوی " (۲۸) و یکبار در آیه ۶ (سوره النازعات که میفرماید : " اذ نادیه ربه بالواد
المقدس طوی " (۲۹)

در آثار بهائی همه این عبارات قرآنی به اراضی مقدسه واقع در بریه الشام تعبیر و تفسیر
گشته است . حضرت عبدالبهاء در لوح میرزا حیدر علی اسکوئی که در سال ۱۳۱۰ قمری نازل
شده است میفرمایند :

" . . . در مقامی وارد شدی که مطاف ملاء علی است و کعبه
اهل ملکوت ابهی انوار رحمن از افقش طالع و کواکب اسرار از
مطلعش لایح تراش عبیر و عنبر است و غبارش در مشام
روحانیان مشک از فر خطه اش در جمیع کتب و صحف الهیه
بالارض المقدس مشهور و مرز و بومش بالبقعة المبارکة مذکور
اقلیمش وادی طوی است و قطرش البقعة البیضاء جبلش طور
سیناست و تلالش مواقع تجلی رب السموات العلی . . . " (۳۰)

● شرح بقیه مطالب مندرجه در اشراقات به مقاله بعدی موکول میگردد

زیر نویس :

● ۱- الواح متم عبارتند از : اشراقات ، بشارات ، طرازات ، تجلیات ، کلمات فردوسیه
لوح اقدس ، لوح دنیا و لوح مقصود .

● ۲- لوح اشراقات در مجموعه مسمی به اشراقات (تاریخ و محل طبع ندارد) سس

و پنج صفحه را بخود اختصاص داده است (ص ۵۰ الی ۵۵) . از این مقدار بیست و سه صفحه اول به عربی و بقیه با ذکر " قل اعلى از لغت فصحا تلفت نورا" توجه نمود" (ص ۷۳) به فارسی گاهی همراه با کلمات و عبارات عربی نازل شده است .

در این مقاله از این پس هر جا به لوح اشراقات اشاره شود و شماره صفحاتی ذکر گردد اشاره به لوح اشراقات مندرج در مجموعه اشراقات صفحات پنجاه تا هشتاد و پنج است .

● ۳- برای اطلاع بیشتر از احوال جلیل و لوح هزاره بتی به کتاب لثالی درخشان محمد- علی فیضی ، طهران : موسسه ملی مطبوعات امری (تاریخ طبع ندارد) ، ص ۲۷۳ الی ۲۷۷ و کتاب تاریخ ظهور الحق جلد هشتم ، اسد الله فاضل مازندرانی ، طهران : موسسه مطبوعات امری ، ۱۳۱۰ هجری ، ص ۶۷ الی ۷۳ مراجعه شود .

● ۴- آیات مربوطه به صفة " در صفحات ۵۱ و ۵۲ کتاب اقدس (طبع طهران قطع ۸ x ۱۱ سانتیمتر ، چاپ سری ، ۱۸۷۰ ص) مندرج است .

● ۵- آیات مربوطه به ظهور ساعت و قیامت که در لوح اشراقات مندرج گردیده است در لوح شیخ نجفی (ابن زلب) (قطع ۱۸ x ۱۲ سانتیمتر ، چاپ سری ، طهران ۲۱۴ ص) هم آمده است . از عبارت " یا ایها المتوجه الی انوار الوجه . . ." (ص ۶۷) اشراقات تا عبارات " هذا المقام المبارك المعزیز المبدیع " (ص ۷۱) در صفحات ۱۵۴ تا ۱۵۹ لوح شیخ با موارد اختلاف زیر تکرار شده است :

اشراقات	لوح شیخ
ربی الاعلی الایهی (۶۸)	ربی العلی الاعلی (۱۵۵)
قال هل سقطت النجوم (۶۸)	هل سقطت النجوم (۱۵۵)
قد مرت نسمة الرحمن (۶۸)	قد مرت نسمة الرحمن (۱۵۶)
الذین کفروا (۶۸)	الذین کفروا (۱۵۶)
من العشرکین (۶۹)	من العاقلین (۱۵۶)
انا سمعنا ذکرک (۶۹)	انا سمع ذکرک (۱۵۷)
البهائم علی اهل البهائم الذین اقبلوا الی	البهائم علیک و علی کل من قبل اقبل الی
العزیز الوهاب (۶۹)	العزیز الوهاب (۱۵۷)
قد انتهی اللوح و طنتهی البیان (۶۹)	قد انتهی و ماتم اصبر (۱۵۷)
هذه آیات انزلناها من قبل ای فی اول	هذه آیات انزلناها من قبل فی اول ورودنا
ورودنا فی السجن الاعظم (۷۰)	فی سجن عکا (۱۵۷)
اللسنة الکذبه (۷۰)	السنتم الکذبه (۱۵۷)
اذا اتی الله (۷۰)	اذا اتی الامر (۱۵۷)
توجهنا (۷۲)	اذا توجهنا (۱۵۹)
الی مالک الایجاد (۷۲)	الی مالک الایجاد (۱۶۰)

همچنین از عبارت "وص العباد بتقوى الله . . ." (ص ۷۱) تا "ما يقرب العباد الى مسالك الابدان" (ص ۷۲) در لوح شیخ از صفحه ۱۵۹ الی ۱۶۰ تکرار گردیده است .
با توجه به اینکه در لوح شیخ میفرمایند :

"سأل الله ان يمد اوليائه و يويد هم طي ما بيني لهم فسي
هذا المقام المبارك العزيز المديح الي ان قلنا في لوح آخر
يا ايها الناظر الي الوجه وص العباد بتقوى الله" (۱۵۹)

چنین بنظر میرسد که چون هر دو قسمت این بیان یعنی نص قبل از "لوح آخر" و نص بعد از آن در اشراقات موجود است میبایست لوح اشراقات خود مجموعه ای از قطعات چند لوح مختلف باشد. این نظر را بیان مبارک در لوح اشراقات تأیید میکند آنجا که میفرمایند :
"قد انتهى اللوح و ما انتهى البيان اصبر ان ربك هو الصبار
هذه آيات انزلناها من قبل اي في اول ورودنا في السجن
الاظم و ارسلناها اليك لتعرف ما نطقت به الالسننة
الكذبه" (ص ۷۰)

● ۶- به منظور احتراز از اطاله در کلام فقط توضیحات لازمه در متن داده شده و منابع و مأخذ اضافی در حاشیه مذکور گشته است .

● ۷- حضرت باب در باب اول از واحد اول بیان فارسی میفرمایند :
"و معرفت این کلمه (لا اله الا الله) منوط است به معرفت نقطه بیان الذی قد جعله الله ذات حروف السبع (علی محمد) و-
من یوقن انها نقطة القرآن في آخرها و نقطة البيان فسي
اوليها و انها هي مشية الاوليات التي انها هي قائمه بنفسها
و كاشفها يخلق بامرها و قائم بها ." (ص ۴)

● ۸- حضرت عبدالبها در لوح شیخ علی اکبر قوجانی میفرمایند :
"این طلت اولی مصدر کاینات است و تعبیر به طبیعت
کلیه مینماید زیرا آن حقائق و شعونی که حکما به جهت
طبیعت کلیه می شمارند همان شئون و کمالاتی است که در کتب
الهیة بجهت مشیت اولیه بیان شده است واضح است که
مشیت اولیه مظهر اسم مکنون است ."

(عبد الحمید اشراق خاوری ، مآله آسمانی ، طهران : موسسه طلی مطبوعات امری ۱۲۹ هجری
ج ۲ ، ص ۷۰)

● ۹- جمالقدم ، ارمیه حضرت محبوب ، قاهره : فرج الله ذکی الکردی ، ۷۶ هجری ، ص ۴۰
● ۱۰- جمالقدم ، آثار ظم اطلی ، بمبئی ، ۱۳۱۴ ق (تجدید طبع در طهران - بدون
تاریخ) ج ۲ ، ص ۲۱۰ و ۲۱۱ .

● ۱۱- مقصود از حرف "با" "بها" الله است شاه نعمت الله ولی در رساله تحقیقات حروف در ذیل "با" مینویسد: "اسم جامع مشتق بر جمیع اسما الهی و مقدم بر اسما بحسب مراتب الهی و مظهر این اسم هم مقدم بود بر مظاهر اسما و مجموع مظاهر اسما مظاهر این مظهر اسم اعظم اند زیرا که مظهر و مظهر در وجود واحدند اگر چه در عقل ممتازند"

(شاه نعمت الله ولی کرمانی، رسائل جناب شاه نعمت اللطیف کرمانی، به کوشش جواد نسیمی بخش کرمانی، طهران: انتشارات خانقاه نعمت اللطیف، ۱۳۴۳، ج ۴، ص ۲۵)

● ۱۲- جمالقدم، اشراقات، (تاریخ و محل طبع ندارد) ص ۲۷۰.

● ۱۳- ابوطی سینا، معراج نامه، رشت: تجدد، ۱۳۱۲، ص ۱۳-۱۳.

برای اطلاع از تعابیر دیگر درباره نقطه به کتاب امروخلق تالیف اسد الله فاضل مازندرانی طهران: موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱۱، بدیع، ج ۴، ص ۱۴۶ و نیز به کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی تالیف سید جعفر سجادی، طهران: طهوری، ۱۳۵۰، ص ۴۷۲ مراجعه شود.

● ۱۴- برای مثال به کتاب آثار قلم اطی، ج ۲، ص ۵۰ و ۶۳ و ۷۵ و نیز به ادبیه حضرت محبوب، ص ۷۶ مراجعه شود.

● ۱۵- جمالقدم در لوح میروا عباس، استرآباد میفرمایند:

بنام خداوند یکتا . . . کتابت در سجن حاضر و توجه الیه طرف المظلوم الذی دعا الکل الی الله المبین القیوم و صدر آن باین کلمه مبارکه مزین بود اللهم انی اسئلك من بهاءک بابهاء مشاهده در غفلت اهل فرقان نماند مع آنکه از قبل فرموده اند که اسم اعظم الهی در این دعا مذکور است و نزد صاحبان بصیرت و واضح و مشهور است که مقام ذکر اسم اعظم در اول و ابتدا بوده چه که مقدم بر اسما و مبداء و مطلق از کار است و در صدر دعای مذکور واقع شده با وجود این جمیع انکار نموده و عارف به حق او نشدند بلکه فتوی بر قتلش دادند الا من حفظه الله بالحق و انقذه من بحر الاوهام انه لهو المقدر القدير"

(مآله آسمانی، ۱۲۹، بدیع، ج ۴، ص ۲۳)

● ۱۶- حضرت عبدالبهاء در لوح آقا میرزا فضل الله خان ابن بنان الطک میفرمایند:

" . . . در اصطلاح اهل الله بهیضا مقام مشیت است و خفرا مقام قدر است و حمرا مقام قناست و صفرا مقام انما"

(مآله آسمانی، ج ۲، ص ۴۸)

همین تعابیر در لوح مندرج در صفحه ۲۱ مآله آسمانی جلد دوم هم موجود است.

● ۱۷- سید جعفر سجادی، فرهنگ علوم عقلی، طهران: ابن سینا، ۱۳۴۱، ص ۴۱

● ١٨- سيد جعفر سجادي ، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبيرات عرفاني ، طهران طهرى ١٣٥٠٠ ص ١٥٨ .

● ١٩- محيى الدين عربى ميگويد :
 الباءُ للعارف الشبلى مُعْتَبَرٌ وفي نقيطتها القلب مُدَكَّرٌ
 سِرُّ العبوديةِ العليا ما زجها لذا ك ناب مناب الحق فاعتبروا
 ليس يحذف من باس حقيقتهُ لانه بدل منه فـذا وَزُدُّ

(محيى الدين بن عربى ، الفتوحات المكية ، قاهره : الهيئة المصرية العامة للكتاب ، ١٩٧٢ ، ج ١ ، ص (٣٢١)

و نيز ميگويد : " بالباء ظهر الوجود و بالنقطة تميز العابد من المعبود قبل للشبلى - رضوى الله عنه - انت الشبلى ؟ فقال : انا النقطة التى تحت الباء و هو قولنا : النقطة للتمييز (بين العابد والمعبود) ، و هو وجود العبد بما تقتضيه حقيقة العبودية و كان الشيخ ابو محمد يــــن رحمه الله - يقول : مارايت شيئا الا ورايت الباء عليه مكتوبة ."

(الفتوحات المكية ، ج ٢ ، ص ١٣٤)

● ٢٠- ابن منظر مينويسد : " وقوله مروجل : ولقد آتيناك سبعمائة من العثاني والقرآن - العظيم ، العثاني من القرآن بها ثنى مرة بعد مرة و قيل : فاتحة الكتاب ، و هى سبع آيات - قيل لها مائة لانها يثنى بها فى كل ركعة من ركعات الصلاة و تعاد فى كل ركعة : قال ابو الهيثم : سميت آيات الحمد مائة ، و احدها مائة ، و هى سبع آيات . . . و ورد فى الحديث فى ذكر الفاتحة : هى السبع العثاني ."

(ابن منظر ، لسان العرب ، بيروت : دار صادر و دار بيروت ، ١٩٥٦ ، ج ١٤ ، ص

١١٨ (ستون ٢ و ص ١١٩ (ستون ١)

● ٢١- محمد خزائلى ، اعلام قرآن ، طهران : اميركبير ، ١٣٤١ ، ص ٤٨١ - ٤٨٢ .

● ٢٢- حواميم صبيح صبارتنداز هفت سوره قرآن كه با " حم " شروع ميشوند : ١- مومن - ٢- فصلت - ٣- شورى - ٤- زخرف - ٥- دخان - ٦- جاثية - ٧- احقاف . به اين سوره آل حواميم هم گفته ميشود .

● ٢٣- مائده آسمانى ، طبع ١٣٩٠ ، ج ٢ ، ص ٧٤

● ٢٤- جمالقدم ميفرمايند :

"تفكروا فى ما نزل من سماه القدرة و الاقتدار ليجذبكم الى جمال ربكم المختار و تعرفوه فى قميص اسمه الابهى الذى كشف الجمال و ظهر باسم ربكم العزيز المتعال . طوى لمن سرع اليه و ويل للموقنين قل اياكم ان تحتجبوا بالاشارات من مالك الاسماء و الصفات هذا هو الذى قد اخذ نقطة البيان عهده فى ذر البيان و محمد رسول الله

فی ذر الفرقان و الروح فی ذر الانجیل و الکلم فی ذر
التورات و الخلیل فی ذر الامران انتم من العالمین .

(ماده آسمانی، طبع ۱۲۹ ج ۸، ص ۴۷-۴۸)

در آثار بهائی مقصود از ذر " اخذ عهد برای مظهر بعد و نیز حقائق و تعینات و تشخصات
انسان در مراتب علم الهی است . (برای اطلاع بیشتر به کتاب رحیق مختوم، طبع ۱۳۰ ج ۱
ص ۶۲۴ و نیز به کتاب ماده آسمانی، طبع ۱۲۹ ج ۲، ص ۳۰ مراجعه شود)
● ۲۵- در نقل بعضی از این اصطلاحات صورت ظاهری قرآنی آنها حفظ نشده و نقل
به مفهوم در آثار مبارکه صورت گرفته است .

● ۲۶- ملافتح الله کاشانی، منهج الصادقین، طهران : محمد حسن علی، ۱۳۳۷-
طبع سوم، ج ۹، ص ۲۵ .

● ۲۷- قاضی ناصرالدین بیضاوی، تفسیر القاضی ناصرالدین بیضاوی، در حاشیه
قرآن کریم بخط سید مصطفی نظیف شهیر بقدر وظیفی، جز ۲ دوم (جز اول و دوم در یک مجلد)
قاهره : عبدالحمید احمد حنفی، ۱۳۵۵ ق، ص ۱۹۴ .

● ۲۸- سید محمد حسین طباطبائی مینویسد : " فلما اتاهانودی یا موسی انی انارک
الی قوله - طوی " طوی اسم لواء بطور و هوالذی سماه الله سبحانه بالوادى المقدس "
(العلامه السید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت :

موسسه الاطی للمطبوعات، ۱۹۷۲ ج ۱۴، ص ۱۳۷)

● ۲۹- میدی مینویسد : " از نادیه ره بالواد المقدس " المظهر المبارک من ناحیه
الشام .

(ابوالفضل رشیدالدین میدی، کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر
خواجہ عبدالله انصاری، بمسعی علی اصغر حکمت، طهران : ابن سینا، ۱۳۳۹ ج ۱۰، ص
۳۷۰)

● ۳۰- عبدالحمید اشراق خاوری، رحیق مختوم، طهران : موسسه طلی مطبوعات امری
۱۳۰۰ ج ۱، ص ۳۶۲ . همچنین به ماده آسمانی، طبع ۱۲۹ ج ۵، ص ۱۰۶ مراجعه
شود .

آرزوی خدمت

زین تاج ثابت (خضرائی)

سرخوش از باده محبت اوست
همه از فیض بی نهایت اوست
" فکر هر کس بقدر همت اوست "
گرترا آرزوی خدمت اوست
جذبه ای از جمال و قامت اوست
در چمن غمسه ای ز نکبت اوست
عالمی زین بار نیست اوست
زنده دل از صفای طلعت اوست
حل هر مشکلی ز حکمت اوست

دل مازنده از نهایت اوست
گر که شد عالمی از او روشنی
همتی کن در این دوروزه عمر
بگسل این بند های گوناگون
گفتن این بانگ عاشقانه ز چیست؟
نغمه بلبل و تبسم گل
معمل عشق در جهان افروخت
هر که زد در حریم عشقش گام
اوست زین گره گشای جهان

کنفرانس بین الہللی برہائی

اوکلند زلاندنو

۲۔ ۵ شہر السلطان

۱۳۳

۱۹۔ ۲۲ ژانویہ ۱۹۷۷

۲۹ دی تا ۲ بہن

۲۵۳۵

AUCKLAND
NEW ZEALAND

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی

ژانویه ۱۹۷۷

خطاب به یاران مجتمع در کنفرانس تبلیغی بین المللی در اوکلند (زلاند جدید)

دوستان عزیز :

با قلوب سرشار از محبت و تحسین پیروان اسم اعظم در جزائر اقیانوسیه تحیات مشتاقانه خود را به جمیع یاران مجتمع در این محفل تاریخی مجمع الجزائر جنوبی ابلاغ میداریم .
چقدر عظیم است مقام آن یاران در تاریخ امر بهائی و چه آینده درخشانی در انتظار امری است که بیش از نیم قرن توسط صدها نفوس مومنه ثابت قدم با عشق و محبت پرورش یافته —
نفوسی که وارثین روحانی هاید و کلارادان مهاجرین نیزی که خود ندای الهی را در الواح فرامین تبلیغی لیبک گفته ترك خانه و آشیانه نموده به قاره استرالیا هجرت کردند —
به شهادت ولی امر محبوب نامشان با حروف طلائی در قلب اطهرش منقوش گردیده میباشد .
در ماه مارس ۱۹۵۱ هنگامی که رسوا سر منطقه پاسیفیک فقط یک محفل روحانی ملی وجود داشت حضرت ولی امرالله پیش بینی فرمودند که : " برای مبارزان شجیحی که در میدان خدمت امر حضرت بهاء الله در نیمکره جنوبی بخصوص جزائر اقیانوسیه جولان نمایند —
اجری جزیل و افتخاری بی نظیر مقدر گردیده است . تأییدات ملا اعلی که باید ممد —
مجاهداتشان در سهیل استقرار و احراز رسمیت و مظفریت امرالله باشد منقریب با وفوری حیرت انگیز نازل خواهد گشت " (ترجمه)
اکنون بعد از مضي بیست سه فتوحات حاصله واقعا حیرت انگیز است . با تاسیس محفل روحانی ملی بهائیان زلاند جدید در رضوان ۱۹۵۷ ازدیاد عدد محافل ملیه شروع و اکنون به یازده برابر بالغ گردیده .
بنای مشرق الاذکار مناطق جنوبی در جوار بلده سیدنی مرتفع گشته والا حضرت مالیت — وا -

تاوما فیلی دوم فرمانروای ساموای غربی اولین زمامداری است که در دوران قدرت حکومت به آئین مقدس حضرت بهاء الله اقبال نموده است. عدد محافل روحانیه محلیه اکنون از ۲۶۰ متجاوز است و بهائیان در متجاوز از ۱۸۰۰ مرکز در این منطقه وسیع اقیانوسی که قریب یک هشتم سطح کره ارض را فرا گرفته اقامت دارند. این فتوحات بلا شک منبع سروری عظیم جهت روح سرمدی ولی امر محبوب خواهد بود که در توفیقات منبعه خویش خطاب به محافل روحانیه و یاران اقیانوسیه کرارا نسبت به پیروان حضرت بهاء الله که در جنوب محیط اعظم بخدمت امر مالک قدم مشغول و مالوفند ابراز لطف و محبت فرموده اند. دوستان عزیز اکنون از نقشه پنجساله پیش از نیمه گذشته است و شما در شهر زیبای اوکلند مجتمع گشته اید که وضع موجود را رسیدگی کرده برای نیل به فتوحات آتیه خود نقشه هائی طرح نمائید. محافل روحانیه ملیه همبرید جدید و جزائر مارشال بایستی در رضوان آتیه تاسیس گردد. نقشه های بنای مشرق الاذکار ساموآ که تقریب بایستی ارتفاع یابد در جریان طرح و تنظیم است. اما هر چند هدف تاسیس مراکز بهائی بتعداد کل ۲۱۸۸ نزدیک به اتمام است ولی تشکیل محافل روحانیه محلیه که بهر یک از جوامع ملیه واگذار شده و باید جمعا به ۶۱۲ محفل بالغ گردد هدفی است که مستلزم توجه مخصوص و اقدام عاجل میباشد. تأییدات غیبیه الهیه که حضرت ولی امرالله در سنه ۱۹۵۱ بآن اشاره فرمودند همواره شامل حال بوده و هنوز هم "با وفوری حیرت انگیز آماده نزول است" آن یاران خواهند توانست در سنه آتیه اهداف تبلیغی معینه را تکمیل نموده سال آخر نقشه را به تحکیم و تقویت مراکز و نیل با اهداف اضافی پردازند. حصول این موفقیت با اکتفا کردن و رضادادن به فتوحات حاصله میسر نگردد بلکه مستلزم بروز آن خصائل ایمان و تدبیر و بصیرت و وفاء و جرات و فداکاری است که در عقود اخیره مورد تمجید و تحسین ولی امر محبوب بوده است. انتظار میرود جوامع بهائیان شجاع جزائر اقیانوسیه بار دیگر گوی سبقت را از همگان در سراسر عالم ربوده مقام خود را در صف مقدم جند الهی حفظ نمایند. اعزام مهاجرین و مبلغین سهار و تندیم تبرعات جدید عناصر مورد لزوم پیشرفت امرالله در استرالیا و زلاند جدید و جزائر جنوب پاسیفیک میباشد. نفوسی که قادرند خدمات ذیقیمت در امر تبلیغ انجام دهند خود هر چه زودتر قیام کنند و آنانکه قادر به مسافرت و هجرت نیستند باخذ وکیل مبادرت نمایند.

این مشتاقان با امید فراوان آرزوی موفقیت اقدامات آن یاران را در دل جای داده از آستان مقدس حضرت بهاء الله رجا دارم برکات و تأییدات عظیمه شامل حالتان گرداند.

بیت العدل اعظم

was frequently expressed in glowing terms in his letters to the Assemblies and friends in Australasia.

Dear friends, we have now passed the mid-point of the Five Year Plan. You are met in the beautiful city of Auckland to take stock and to make plans for attaining the victories which will surely be yours.

The National Spiritual Assemblies of the New Hebrides and of the Marshall Islands are to be raised up next Ridván; plans for the soon-to-be-erected Mashriqu'l-Adhikár of Samoa are in process; but although the goal of establishing Bahá'í centres totalling 2,188 is within easy reach, the Local Assembly goals assigned to each national community, totalling 613, need prompt and decisive attention. The divine assistance spoken of by the beloved Guardian in 1951 has ever been available, and is still "ready to be poured forth in astonishing abundance". It is within your power during the coming year to win all assigned teaching goals, leaving the final year of the Plan for consolidation and the winning of supplementary victories.

This will be achieved, not by resting on laurels, but by manifesting those qualities of faith, judgment, vision, loyalty, courage and self-sacrifice which earned the Guardian's praise so frequently in past decades. Let the valiant Australasian Bahá'í communities vie once more with their sister communities throughout the world for the palm of victory and maintain their position in the vanguard of the Army of Light.

Pioneers, travelling teachers and a fresh outpouring of funds are essential ingredients to the onward march of the Cause throughout Australia, New Zealand and the islands of the South Pacific. Let those who can offer their valued services to the teaching work arise without delay; let those who cannot travel or pioneer deputize those who can go in their stead.

We cherish the highest hopes for the success of your endeavours and it is our constant prayer that Bahá'u'lláh will shower His richest blessings and confirmations upon you.

*The Universal
House of Justice*

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHÁ'Í WORLD CENTRE

January 1977

To the Friends assembled at the International Teaching Conference in Auckland

Dearly-loved Friends,

With hearts full of love and admiration for the followers of the Most Great Name in Australasia we send our warmest greetings to all assembled in this historic gathering in the heart of the Antipodes.

How great is your place in Bahá'í history! How bright are the prospects for the future of the Cause so lovingly nurtured for more than half-a-century by hundreds of stalwart steadfast believers, spiritual heirs of Hyde and Clara Dunn, who in direct response to the Tablets of the Divine Plan forsook their home and went to pioneer in Australia, and whose names, Shoghi Effendi wrote, were "graven in letters of gold" upon his heart. In March 1951, when in the entire Pacific area there was but one National Spiritual Assembly, the beloved Guardian predicted that "The prizes destined for the heroic warriors, battling for the Cause of Bahá'u'lláh throughout the Southern Hemisphere, and particularly Australasia, are glorious beyond compare. The assistance to be vouchsafed to them from on high in their struggle for its establishment, its recognition and triumph is ready to be poured forth in astonishing abundance."

Now, twenty-five years later, the achievements are truly astounding. Beginning with the establishment of the National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of New Zealand at Ridván 1957, the number of National Assemblies has increased elevenfold; the Mashriqu'l-Adhkár of the Antipodes has been erected near Sydney; His Highness Malietoa Tanumafili II of Western Samoa has become the first reigning monarch to embrace the Cause of Bahá'u'lláh; the number of Local Spiritual Assemblies now stands at over 360; and the number of localities where Bahá'ís reside in this vast oceanic area covering well-nigh one-eighth of the earth's surface is more than 1,800. These accomplishments doubtless have been a source of great joy to the immortal soul of Shoghi Effendi, whose esteem and affection for the followers of Bahá'u'lláh labouring for His Cause in the Antipodes

کنفرانس بین المللی تبلیغی اوکلند

یوسه سیف قدیمی

باران عزیز را کثرت نقاط جهان هنگام مذاکره درباره انتشار امر الهی اظهار مینمایند که جوامع بهائی از آلاسکا نیوزیلند استقرار یافته اند و این اظهار طبع نقشه بیت العدل اعظم الهی بسا تشکیل د و کنفرانس از هشت کنفرانس بین المللی در دو نقطه از اقصی نقاط جهان حقا " و واقعا " مفهوم و مصداق است جدید یافت . البته دیدگاه باران نسبت بکنفرانسهای مزبور متفاوت است و هر فردی بنا بسلیقه خود بنکات خاصی توجه مینماید ولی آنچه مطمح نظر عموم احباب بوده و همگی در مقام اول بر آن متفق السرای و متحد العقیده میباشد روح کنفرانس است که بفضل و عنایت جمال اقدس الهی این روح در کنفرانس اوکلند ممتاز و کم نظیر بود زیرا در جمیع جلسات کنفرانس در کل احیان روح تبارک این مؤتمرو روحانی محسوس و در لحظاتی صحنه های ملکوتی ایجاد مینمود که عموم حضار را عمده " تحت تاثیر

ترار میداد .

تشریح کامل جریان چهار روز کنفرانس از عهد و این مقاله خارج است و فقط بذکر نکات اصلی و قابل توجه و جانب آن اکتفا میگردد .
محل کنفرانس :

شهر دارلین با وسوسه و محرم اوکلند کاخ شهرداری را که در خیابان اصلی و مرکز شهر واقع شده برای انعقاد کنفرانس در اختیار محل طبع بهائیان زلاند جدید قرار داده بود و تمام ساختمان در مدت کنفرانس بوسیله تشکیلات مختلفه کنفرانس تبلیغی اشغال شده بود ، برجسته اصلی ساختمان و در زیر برج ساعت نام کنفرانس با حروف درشت روی پارچه سفید چاپ شده بود سالن اصلی محل انعقاد کنفرانس با داشتن دیوارکن وسیع که یک طبقه آن از دو طرف تا بالای صحنه امتداد مییافت دارای ظرفیت در حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر بود .

در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۱ ژانویه کنفرانس با نطق نخست وزیر مملکت افتتاح شد هنگام ورود مشارالیه و همسرشان به همراهی شهردار اوکلند و همسرشان مورد استقبال ایامی امرالله جناب فیضی به عنوان نماینده بیت العدل اعظم و نیز جناب گارتن عضو محفل ملی به عنوان رئیس کنفرانس قرار گرفتند و از نزد یکی انتهای سالن از راه ورود وسط به سمت صحنه سالن روانه شدند در این مدت ارکستر به رهبری آقای گارسیا که از آهنگ سازان معروف و یکی از رهبران مشهور ارکستر و عضو جامعه احمای امریکا است آهنگ پرشکوه و جلالی را مینواخت و این آهنگ تا جلوس هر شش نفر بر صندلیهای روی صحنه مقابل جمعیت ادامه داشت رئیس کنفرانس از نخست وزیر دعوت نمود بهای میکروفون آمده و بیانات خود را ابرار نماید. (هر جمله متن کامل نطق معظم له آماده شده و درج آن باعث تطویل مقال خواهد شد) ما حاصل کلام مشارالیه تأیید یکایک تعالیم مبارکه و بیان این مطالب بود که اصول دیانت بهائی در نیوزیلند با حسن قبول پذیرفته میشود.

جمعیت کرارا " بمنظور اظهار سپاس و ابراز احساس با کف زدند نهایت معتد نطق نخست وزیر را قطع نمودند. سپس از مشارالیه شهردار اوکلند رشته سخن را بدست گرفته ورود کلیه شرکت کنندگان را به " زیباترین شهر جهان " خیر مقدم گفت و شرحی راجع به لزوم دین برای اتحاد بشر بیان نمود که آنهم مورد تقدیر حضار واقع

سپس نوبت سخن ایامی امرالله جناب فیضی رسید که بنحوشایسته ایستاد و ناطق قلبی بیان جواب فرمودند و مخصوصاً متذکر شدند که بیش از یک قرن قبل در سیاه چال طهران وحی الهی بر جمال قدم نازل و ندای الهی مرتفع گردید و اکنون این ندای استماع میشود و نتیجه و ثمره آن در این کنفرانس مجلل برای العین مشاهده میگردد.

بخیر از ایامی امرالله جناب فیضی ایامی امرالله جناب فدرستون از استرالیا و خانم فلورانس میبری از دارالتبلیغ بین المللی و اعضاء محفل روحانی ملی بهائیان زلاند جدید و برخی اعضاء محفل ملی استرالیا و نمایندگان ۲۷ محفل ملی در کنفرانس حضور داشتند تعداد کامل شرکت کنندگان بالغ بر ۱۱۹ نفر بود که از این عده حدود ۱۹ نفر کودکان و نوجوانان بودند و آنچه بخصوص جلب توجه مضمود عده کثیر جوانان فعال و پراشتیاق بود که پر رونق و شور کنفرانس میافزود، عده یاران ایران جمعا ۶۵ نفر بودند که از این جمع فقط ۷ نفر از طهران بکنفرانس مزیمت نموده بودند و بقیه مهاجرین عزیز استرالیا و جزایر اقیانوس کبیر و سایر کشورها بودند.

پرگرام کنفرانس

پس از مراسم افتتاح طی سه روز بعدی یعنی ۲۰ ۲۱ ۲۲ ژانویه پرگرام کنفرانس همه روزه از ساعت ۹ صبح تا ۱۰ شب با رعایت فواصل زمان ناهار و شام

اجرا گردید .

در روز اول جناب فیضی پیام مخصوص بیت العدل اعظم خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس را قرائت کرد که استماع آن سرور روحانی زاید الوصفی در حضار ایجاد نمود .

ناطقین اصلی در این کنفرانس اهدایان امرالله جنابان ابوالقاسم فیضی و کالیس قدرستون و خانم میبری از - دارالتبلیغ بین المللی و اعضاء هیئت مشاورین قاره ای جنابان سهیل علاسی و اون باتریک و برخی اعضاء محفلین ملی نیوزیلند و استرالیا و نمایندگان محافل ملیه بودند . مواضع اصلی مطروحه در کنفرانس عبارت بود از :

(وظیفه امروز ما) - (اهداف اصلی نقشه پنجساله) - (حفظ و تحکیم انتصارات گذشته) - (پیشرفت امرطبق نقشه پنجساله) - (توسعه عظیم جامعه بهائی) - (آمادگی برای خدمت) - (حفاظت اصلیه حیات بهائی در جوامع محلی) - (تعهد انفرادی ما) و امثال ذلك .

سه مورد دیگر مخصوص قابل ذکر است .

● ۱- صدای عالم بهائی - نمایندگان محافل ملی در روتیکه قبله برای آنها پیش بینی شده بود هر یک پس از معرفی خود پیام محفل ملی مملکت خویش و محبت و اشواق قلبیه احمای کشوری را که از آن - اعزام شده بودند بنحو مطلوبی بیان داشتند .

● ۲- صلاهی عام برای مهاجرت - جناب

قدرستون پس از ذکر مقدمه ای تقاضا نمودند افراد را و طلب هجرت روی صحنه بیایند بقدریج از گوشه و کنار ردیف های فشرده زن و مرد پیرو جوان بسوی صحنه روان شدند ، ۲۰ ، ۳۰ ، ۴۰ و بازم بیشتر دختر جوان بروی صحنه آمد و دستی که در جوار ما درش بود از وی پرسید کجا خواهد رفت گفت نمی دانم ولی بهم هجرت میسرود عده را و طلبان هجرت به ۹ نفر رسید سالن از کف زد نهایی متوالی و ممتد بلرزه درآمده بود و نفرهم نیت توکیل را اعلام نمودند .

۳- اقدام با سفارت تبلیغی - این ندهام بنحو احسن اجابت گردید مخصوصا جوانان دسته دسته بروی صحنه رفتند خانمی بشوهرش گفت من رفتم . همسرش همراه او روانه شد . را و طلبان در ردیف های عقب و بالا قرار گرفتند تعداد این گروه نیز به ۹ نفر رسید .

مادر دختر جوان را و طلب مهاجرت که قبله با و اشاره شد در زمره گروه را و طلب اسفارت تبلیغی بود و بروی صحنه يك پله پائین تراز دخترش قرار گرفت . دختر بازوهای خود را حلقه و آرازیشت و بالا بدور گردن مادر خود قرار داده بود و مادر نگاهش بسوی بالا بود منظره ای بسود ملکوتی انسان را بیهاد تابلوهای را فاضل و نساء مقدسه دوره اول مسیحیت میبنداخت صحنه ای بس باشکوه و حیرت انگیز بود . اثرات این قیام روحانی چنان حاضرین در کنفرانس را تحت تاثیر قرار داد که آهسته بتلاوت ندای جانفزیای الله اییی پرداختند و پس از قلیل مدتی

نظم و ترتیب و اداره کنفرانس :

از لحاظ نظم و ترتیب و اداره کلیه امور تشکیلات مربوطه ، کنفرانس اوکلند را شاید بتوان بعنوان يك نمونه عالی قلمداد نمود .

ورود یاران در تمام ایام بوسیله مامورین و موظفینی که به جهت ستیگاه بی سیم بودند بارها بیت نظم و ترتیب و سکوت تحت کنترل بود . افرادی که سمت ایشان بر نوآوری سینه شان درج شده بود وظائف مختلفی را از قبیل راهنما میمانندار ، پرستار ، بخوبی انجام میدادند در ساختمان کاخ شهرداری علاوه بر سالن اصلی سالنهای کوچک و اطاقهایی برای صرف شام و ناهار و فروش کتاب و مجله و جزوه و کس و غیره ، اطاقهای مشورت ، اطاقهای هیئت مدیره کنفرانس سالن وسافل سمعی و بصری و غیره ترتیب داده شده بود و کوچکترین بی نظمی در هیچ موردی مشاهده نشد .

نکته بسیار مهم دیگری که جلب توجه مینمود استغناء طبع یاران آن در بار بود چنانکه در مورد تبرعات کلیه شرکت کنندگان را آزاد گذارده و مراجعاتی چه خصوصی و چه عمومی بآنان بعمل نیامد فقط بد اثر نمودن گیشه مخصوص برای تبرعات اکتفا نموده بودند . و در بالای آن کلمه Donations نصب شده بود . احباب طیب خاطر و بصرافت طبع آنچه را مایل بودند تقدیم داشتند . در سایر موارد نیز تقاضایی از نمایندگان محافل ملیه و سایر شرکت کنندگان بعمل نیامد و این سررشد

این ندای آلهی چنان اوج گرفت که ارکان سالن کنفرانس را بلرزه درآورد - اشک هوشی از دیدگان حضار جاری شد و چنان حالتی روحانی در افراد ایجاد گردید که وصف نتوان نمود . کاش همه احبای عزیز کشور مقدس ایران حضور داشتند و عظمت امر جمال اقدس الهی و روح نبض ایمان و صفای باطن حاضرین را در این موطن روحانی به چشم سرمیدیدند و چشم سراسیمه مینمودند .

۴- بیاد دارم *

عده ای از خادمین مسن امرالله که بحضور حضرت ولی امرالله مشرف شده بودند خاطرات خود را همراه بانیده ای از بیانات مبارکه برای حضار حکایت نمودند که فوق العاده مورد توجه شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت زیرا یاد آن مسولای مهربان در ذهنشان تجدید میشد .

ساعت ۱۲ نوبه جلسه عمومی با حضور مدعوین یعنی افرادی که خارج از جامعه یاران دعوت شده بودند تشکیل گردید . جناب دکتر پتروخان بیانات جامع و منجزی راجع به معرفی امر مبارک ابراد فرمودند و سپس فرصت سؤال و جواب فرارسید سئوالها بصورت یادداشت های کتبی توسط مامورین سالن جمع آوری شد جمعا ۱۰۰ سئوال رسیده بود که برخی تکراری بود و بکلیه آنها بنحوا مختصاری ولی با صراحت تام جواب داده شد و سئوال کنندگان اکتفا گردیدند .

معنوی و بلوغ جامعه یاران زلاند جد پدر را
حکایت میکند .

انعکاس کنفرانس در وسائل ارتباط جمعی

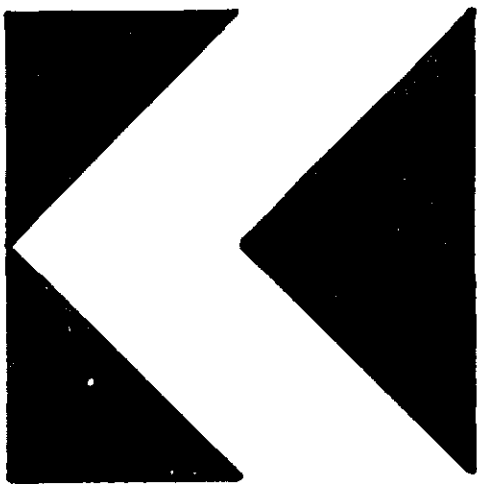
مراسم پذیرائی از شرکت کنندگان
کنفرانس بوسیله قبیله بومی مائوری که
روز قبل از تشکیل کنفرانس در مرکز قبیله
مذکور انجام شد از تلویزیون پخش شد روز بعد
روزنامه ها شروع کنفرانس و افتتاح آنرا
بوسیله نخست وزیر اعلام نمود و در روز
ثالث نیز اخبار کنفرانس را درج نمودند
تا بلوی روی ساختمان کاخ شهرداری ،
اخبار تلویزیون و روزنامه ها و اجتماع یاران
در جلوی کاخ شهرداری و رفت و آمد آنها
از هتل ها بدان سوی سایر مواصلات کلا
معرف تشکیل کنفرانس و اهداف جامعه
بهائی بود .

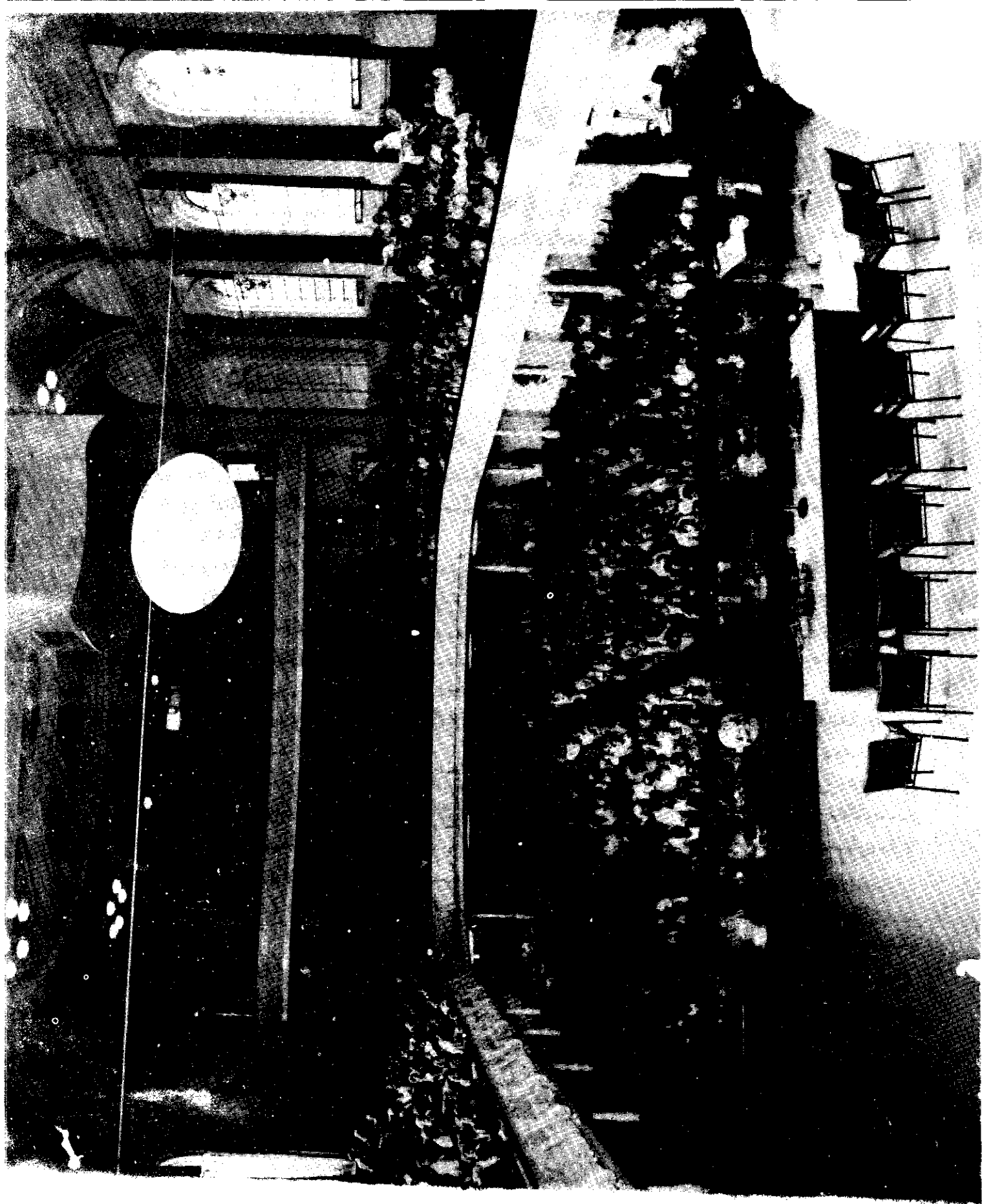
اثرات کنفرانس :

حضور یاری عزیز امرالله جناب
فیضی نعمت و برکتی عظیم بود زیرا ایشان با
تحقیق و انتخاب حکایات و داستانهای
مربوط به احبای دوره اولیه امر و شهیدان
و متقدمین موجبات تقویت قوای روحانی
شرکت کنندگان را بنحواً کامل فراهم فرمودند
و بیانات ایشان مخصوصاً در جوانان اثری
عمیق بخشید . باشد که جوانان از این
داستانهای پر مغز و مهیج سرمشق گیرند
و آن نفوس نغمه اقتدا نمایند .
افراق نیست اگر گفته شود تشکیل
این کنفرانس بمعنای واقع نقطه عطفی

است در پیشرفت و ترویج امرالله در سرزمین
درود صفت جزا هر زلاند نو و با توجه باین اصل
که اهالی این مملکت متخلق بخلق و خوی
خوش هستند و بنا به گواهی رئیس الوزرای
خود کلاً موافق با اصول تعالیم مبارک
میباشند . انتظار میرود امرالله در آن دیار
پیشرفت سریع و عظیم نماید و همانطوریکه
در کنفرانس مشهود شد منشاء و مبدأ اعزام
ساجرین و طلمین سیاروخاد مین امرالله
بسیار ممالک و دیار گردد .

شرکت کنندگان کنفرانس اوکلند





نکاتی درباره کنفرانس اوکلند

دکتر ایرج مودت

بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۸ ژانویه درید و ورود بهاگند اعلان بزرگی که به خط درخت تشکیل کنفرانس بین‌المللی بهائی را بشارت میداد جلب نظر میکرد در سالن فرودگاه جمعی از احباء به استقبال آمده بودند و بعد املوم شد عضو کمیته استقبال و راهنمایی مسافرین هستند و با اتومبیل‌های خود را و طلب راهنمایی و نقل و انتقال در استان به هتل و محل‌های مورد نظر شده‌اند. از همان وقت معلوم بود که مسئولین تشکیل کنفرانس با چند قفسی تدارک لازم را دیده و همه چیز را بخوبی پیش‌بینی کرده‌اند و بایستی در انتظار سرگزاری کنفرانسی نمونه در سطح بسیار بالا و با نظم و ترتیب بی سابقه باشیم.

همانروز برای ملاقات احباء به خطبه القدرس اوکلند راهنمایی شدیم سالن حضرت حظه القدرس گنجایش قبول جمعیت کثیر احباء را نداشت لاجرم جناب فیضی ایادی عزیز امرالله در محوطه خارجی حضرت حظه القدرس با احباء و عد زیادی غیر بهائی و رهگذرهای کنجکا و راجع به

ششمین کنفرانس از کنفرانسهای هشتگانه بین‌المللی در طی نقشه پنجمساله در شهر اوکلند از کشور نیوزیلند (زلاند جدید) تشکیل شد.

شهرزهای اوکلند از بزرگترین و مهمترین شهرهای زلاند جدید و مرکز تجارت و معاملات خارجی میباشد.

این شهر در شمال نیوزیلند قرار گرفته و جمعیت آن قریب ۷۰۰۰۰ نفر هندری بسیار مهم و دارای فرودگاه بین‌المللی است.

زلاند جدید در جنوب پاسیفیک بین خط استوا و قطب جنوب و با فاصله ۲۲۵۰ کیلومتری جنوب شرقی استرالیا قرار دارد.

مساحت کل آن ۲۶۸۶۲۶ کیلومتر مربع جمعیتش ۳ میلیون نفر و پایتخت آن شهر ولینگتن میباشد.

نیوزیلند سرزمینی سرسبز با هوای معتدل و مناظر زیبا و دیدنی و دارای آب‌های معدنی فراوان است کشاورزی و دامداری در نیوزیلند رونق بسزایی دارد این کشور جزه کشورهای مشترک المنافع است.

امر صحبت میفرمودند و بسئوالهای آنان جواب میدادند .

روز چهارشنبه ۱۹ ژانویه نزدیک ظهر احباء بوسیله اتوبوس و اتیوسپانی که آماده شده بودند به خارج شهر اکلند در محل بسیار زیبایی منتقل شدند در این محل نمایش بسیار جالب و دیدنی بنام جنگ و صلح در هوای آزاد در حضور جناب فدرستون ایادی امرالله توسط احباء محلی و بومی جزایر متعدد پاسیفیک اجرا شد که مورد توجه فراوان قرار گرفت .

موضوع نمایش نامه نمایشگر تعصبات و اختلافات نژادی و جنگ و نزاع بین قبائل مختلف قبل از ظهر حضرت بهاء اللهور که با قبول این امر جلیب و اجرای اوامر و دستورات موکده جمال مبارک به صلح و آشتی مبدل شد برنامه با پذیرائی و صرف نهار خاتمه یافت و خاطره فراموش نشدنی در حضار ایجاد نمود .

ساعت ۸ بعد از ظهر همانروز کنفرانس بین المللی بهائی در سالن تالار شهر با تشریف فرمائی نخست وزیر و شهردار اکلند و با حضور جناب ابوالقاسم فیضی نماینده محترم بیت العدل اعظم و ایادی امرالله جناب فدرستون و امه اللهور انیس می بری عضو دارالتبلیغ بین المللی بهائی و جمعی از اعضاء هیئت مشاهیرین قاره هیئت های معاونت و مساعدین منطقه اقیانوسیه و اعضاء محفل روحانی ملی نیوزیلند و بعضی از نمایندگان محافظ ملیه و در حدود یک هزار و سیست نفر از احباء شرکت کنندگان ۲۷ مملکت

و جزیره رسماً افتتاح شد .

اجرای برنامه ها جمیعاً از نظم و ترتیب کافی برخوردار بود سخنرانی ها تماماً جامع و کاملاً قابل استفاده بودند اجرای برنامه های موسیقی و سرود های بهائی که در اول و در بین هر برنامه اجرا میشد نه فقط از ایجاد خستگی جلوگیری میکرد بلکه احباء را به وجد و سرور میآورد .

سخنرانی جناب جالب دکتر بنیترخان درباره مواضع و اهداف نقشه پنجساله نطق جناب سهیل علانی عضو هیئت مشاهیرین قاره درباره محافظت و تحکیم فتوحات حاصله از اهداف نقشه پنج ساله بسیار جالب و شیرین بودند .

جلسه بعد از ظهر بهیئات جامع و مشروح جناب فدرستون ایادی امرالله اختصاص داشت در خاتمه برنامه های تحت عنوان صدای عالم بهائی با معرفی نمایندگان محافظ ملیه ایکه در کنفرانس شرکت کرده بودند اجرا شد و نمایندگان جزایر مختلف پاسیفیک راجع به پیشرفت های امری صحبت کردند در همین برنامه اعلام شد که در ساموای غربی در طی دو ماه گذشته تعداد احباء از ۲۵۰۰ به ۳۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرد برنامه های رادیوفنی که قبلاً فقط صحبتهای یکشنبه بمدت ۱۵ دقیقه اجرا میشد در حال حاضر هر روز از ساعت ۵ تا ۶ صبح با تلاوت آیات و مناجات شروع و اجرا میشود برنامه های تلویزیونی مرتباً پخش میشوند و این برنامه ها تاهزاران مایل در جزایر مختلف قابل استفاده میباشند .

فروب جمعه ۲۱ ژانویه در کنفرانس تبلیغی
سهومی دسته گنبری از اهالی اکلند حرکت
کردند سخنران جلسه آقای دکتر بیتسر خان
بود و سخنانش بسیار موثر واقع شد و در خاتمه
به سئوالهای زیادی که از طرف حاضرین
شده بود جواب داده شد .
ساعت ۸ بعد از ظهر شنبه ۲۲ ژانویه
با اجرای کنسرت احبانه که بسیار زیبا
و دیدنی بود و تا پاسی از شب بطول

انجامید کنفرانس خاتمه پیدا کرد .
از بین شرکت کنندگان در کنفرانس ۹ نفر
را و طلب مهاجرت ۹ نفر اخذ وکیل و ۵ نفر
حاضر به سفرهای تبلیغی شدند .
مدت کنفرانس کوتاه و زود گذر بود ولی
خاطره شیرین آن و موفقیت های بسیار
سالها سبب شادی و سرور حاضرین
خواهد بود .